

تکفیر در اسلام و رویکرد انقلاب اسلامی به گروه‌های تروریستی معاصر

رعنا قاسمی* / هادی واسعی** / سید سعیدرضا منتظری***

چکیده

در تعالیم همه ادیان بزرگ، تکفیر، اقدامات تروریستی و خشونت به نام دین مذموم دانسته شده است. از جمله خصوصیات مهم گروه‌های تکفیری علاوه بر بدعت و تکفیر در دین ایجاد خشونت در جامعه است. امروزه تکفیر و تروریسم دو دین بزرگ الهی را درگیر کرده است. تکفیر و تروریسم در دنیا موجب ناامنی و نابسامانی شده که بیشتر این خشونت‌گری‌ها با نام دین صورت می‌گیرد. افراط‌گرایی و تروریسم سابقه دیرینه در جهان دارد. به خصوص در دوره معاصر در سرا سر جهان اسلام فعالیت دارند، با این و صف تروریسم و افراط‌گرایی یکی از دغدغه‌های ملت‌ها و دولت‌ها در دنیا تبدیل شده است.

مطالعه و پژوهش پیرامون موضوع تکفیر و تروریسم در اسلام و نحوه مواجهه انقلاب اسلامی با گروه‌های تروریستی معاصر جایگاه ویژه تحقیقی دارد. بر این اساس پرسش این است که تکفیر و تروریسم در اسلام چگونه ایجاد شده و در دوره معاصر انقلاب اسلامی ایران چه واکنش و مواجهه داشته است؟ به دلیل اهمیت این موضوع و وجود گروه‌های تکفیری و بدعت‌گذار در طول تاریخ ادیان، گروه‌ها از این سوءاستفاده کرده‌اند، در دوره معاصر و کنونی، به دلایل مختلف گروه‌های تروریستی و فرقه‌های متعددی شکل گرفتند برای نمونه داعش، تکفیر مورد بهره‌برداری رهبران گروه‌ها قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و

*. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی قم . Ghasemi.r1988@gmail.com
**. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)

Hadivasei4@gmail.com
***. استادیار دانشگاه تهران

ssmontazery@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: 97/9/25

تاریخ دریافت: 97/4/31

بر پایه منابع کتابخانه‌ایی و فیش‌برداری از اسناد و منابع به بررسی زمینه و عوامل تاریخی پرداخته است؛ برخی یافته‌های پژوهش بیانگر این است که موضوع تکفیر تروریسم ریشه دینی ندارد؛ و انقلاب اسلامی ایران با گروه‌های تروریستی و تکفیری در عرصه نظری و عملی مواجهه و مقابله کرده است.

واژگان کلیدی

تکفیر و بدعت، افراط‌گرایی، اسلام، انقلاب اسلامی، داعش، مواجهه و مقابله.

1. مقدمه

امروزه دین نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد، تفاوت ندارد جدا از گرایش دینی در اسلام و سایر ادیان و در هریک از مذاهب نقش مهم و تعیین کننده دارد. در اندیشه متفکران مسلمان و در الهیات به مقاومت و رویکرد انقلابی خوب و پسندیده بوده و گرایش به افراط و تروریسم مذموم شناخته شده است. در کتب آسمانی «قرآن کریم» تعالیم زندگی اجتماعی و سیاسی برای پیروان آن آورده شده است. همچنین خشونت و تروریسم در دو دین مورد تایید نبوده و رفتارهای افراط‌گرایانه گروه‌های سیاسی و تروریستی هم از طرف متفکران مسلمان و مسیحی مردود دانسته شده و در میان مردم نیز تایید نشده است. با عنایت به اهمیت موضوع در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام شده است.

طبق اصول روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از میانی قرآنی و توحیدی است حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر، یکی از اصول سیاست خارجی می‌باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل 154). از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

خداوند متعال در سوره نحل، آیه 36، اشاره می‌نماید مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و دفاع از حقوق محرومان یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبران بوده است. نظام‌های استکباری برای دستیابی به اهداف خود همواره مستضعفین را قربانی امیال خود کرده‌اند بر همین اساس پیامبر اسلام ﷺ اصل دفاع از مظلوم و مخالفت با ظلم را در تمامی ارتباطات سیاسی‌اش رعایت می‌نمود. ایشان دفاع از مظلوم اگرچه گروه، قبیله

یا کشوری کوچک باشند مورد تأکید قرار می‌دادند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام که انقلابی در راستای اهداف پیامبران بوده همواره یکی از مهم‌ترین اهداف و اصول آن حمایت از مستضعفان عالم که به عنوان نهضت مستضعفان نیز معروف است. «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه امت واحد را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول 152، 11 و 154). با توجه به مبانی اسلامی و اصول یادشده در قانون اساسی (از جمله اصول 11، 14، 152، 154 و بند 16 اصل 3)، نظام جمهوری اسلامی خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها، خصوصاً مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند.

همچنین در اصل 154 قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» حمایت می‌تواند مفهومی گسترده را شامل شود که از ارسال سلاح و اعزام قوا تا تقدیم عواطف و ابراز احساساتی صمیمانه و دوستانه و نصیحتی مشفقانه به مظلومان در جهت همدردی و یا گفتگوی با ظالمان در جهت احقاق حقوق محرومان را دربرمی‌گیرد (ایزدی، 1381: 137).

تروریسم یعنی اقداماتی خشونت‌آمیز و با رعب و وحشت که از ابتدا در تمامی ادیان و عرصه‌های سیاسی وجود داشته است. به نظر می‌رسد، ترور علاوه بر خشونت و کشتار در اسلام پذیرفته شده نیست؛ زیرا فطرت انسان بیشتر رویکرد انقلابی برای نیل به آزادی داشته و مخالف با هرگونه افراط‌گرایی بوده و همچنان در آموزه‌ها و باورهای اصیل دو دین وجود دارد.

اهمیت و هدف: هدف مقاله بررسی ماهیت گروه‌های تکفیری و رویکرد انقلاب اسلامی و گفت‌وگو با انقلاب به این گروه‌ها هست.

روش پژوهش: روش مورد استفاده در مقاله توصیفی – تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نوع تاریخی مطالب مورد بهره‌برداری و فیش‌برداری قرار گرفته است.

2. مفهوم تکفیر و تروریسم

در مفهوم‌شناسی «تروریسم» گفتنی است که؛ فعالیت‌های بازیگران دولتی یا غیر

دولتی که تلاش می‌کنند با استفاده از فنون خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند (Plano & Roy, 1988, p 201). نیز بهره‌برداری سیاسی از خشونت به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن يك حکومت و یا جامعه به منظور پذیرش يك تغییر سیاسی یا اجتماعی اساسی (Robertson 1993, p 458). براساس يك تعریف، «تروریسم» پدیده‌ای است که در آن فعالیت‌های شدید خشونت‌آمیز همچون قتل عمدی، بمباران، و پرتاب کردن از ساختمان توسط فرد یا گروهی به اجرا در می‌آید که ادعا می‌کنند چنین اعمالی را به منظور بهبود وضعیت سیاسی انجام می‌دهند. براساس تعریف دیگر، «تروریسم» عبارت است از: دنبال کردن هدف سیاسی از طریق ابزارهای خشونت‌آمیز و تهدید (Satyendra, 1994: p674). تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیر نظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است. گروه‌هایی که برای رسیدن به اهداف سیاسی از ابزارها و شیوه‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند عمل را «ترور» و گروه را «تروریسم» می‌نامند (آشوری، 1373: 99). به کارگیری محاسبه شده و منظم خشونت غیرقانونی یا تهدید به استفاده از خشونت غیر قانونی برای ابقاء ترس و ارباب بر اجبار دولت‌ها و جوامع بر نیل به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی، یک امر معمول در تاریخ بوده است (فتحی، 1394: 48) (Broum, 2004, p3).

کفر در اندیشه مسیحی این است که فرد به وسیله آن از ایمان کاتولیکی، که در آن تعمید یافته و به آن اعتراف کرده است، دست بر می‌دارد (Lawlor, 1981, v1, p. 679). تکفیر، جدایی رسمی از وحدت کلیساست؛ یعنی جدایی از کلیسای کاتولیک، خواه شخص یا اشخاصی از کلیسا، برتری اسقف اعظم رم را نپذیرند، و خواه مرجعیت پاپ را رد کنند. با قید اول، ارتدوکس‌ها به عنوان فرقه‌ای از کلیسای کاتولیک متمایز می‌شوند؛ زیرا این کلیسا برتری اسقف اعظم رم را نسبت به سایر اسقف‌ها و پاتریاک‌ها نمی‌پذیرد. با قید دوم، کلیسای پروتستان خارج شده؛ زیرا مرجعیت اسقف و پاپ رم را رد می‌کند و فقط حجیت کتاب مقدس را مطرح می‌کنند. (Broderick, 1994, p. 303). تکفیر و فرقه‌گرایی در کاتولیک را می‌توان نوع خاصی بدعت دانست که رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته، گاه کلیسایی در مقابل و یا در عرض کلیسای کاتولیک شکل می‌گیرد (امیری، طاهری، 1392: 80).

بدعت نیز در این نوشتار معادل تکفیر قلمداد شده بدعت در لغت باور و اعتقادی است که مخالف آموزه‌های اساسی دین است، یا باوری است که موافق با باور اکثر مردم نیست (Oxford Dictionary, 2010) در واقع آموزه غلط یا تفسیر غلط از آموزه صحیحی است که توسط کلیسای کاتولیک بیان شده است. بدعت رسمی، گناهی تألم آور و سرکش‌ی در برابر خداوند است. (Broderick, 1994, p. 163) (ر.ک: امیری، طاهری، 1392: 80).

در موضوع افراطگرایی و تروریسم، گروه‌هایی وجود دارند که با برداشت غلط از تعالیم دینی (اسلام و مسیحیت) و با فتنه‌انگیزی دشمنان اسلام هر از چند گاهی دست به خشونت‌هایی می‌زنند، که از نظر اکثر گروه‌های مسلمان محکوم است. خشونت‌های فرقه‌ای مخصوص مسلمانان نیست و در مسیحیت نیز شاهد چنین خشونت‌هایی هستیم. افراطگرایی یعنی اقدامات خشونت‌آمیز و اقدام به رفتارهای تروریستی، در معنی و مفهوم تروریسم آمده که، «ترور¹ به معنای قتل سیاسی به وسیله اسلحه در فارسی متداول شده است و تازیان معاصر اِهراق را به جای ترور به کار می‌برند و این کلمه در فرانسه به معنای وحشت و خوف آمده و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی است که پس از سقوط ژبروندن‌ها (از 31 مه 1973 تا 1974م) در فرانسه مستقر گردید و اقدام‌های سیاسی فراوانی را متضمّن بود.» (دریان، 1382: 328). در این لغت‌نامه، در تعریف تروریسم نیز آمده است: «اصل حکومت وحشت و فشار؛ اصول حکومتی که در فرانسه از 1793 تا 1794 م مستقر بود. در زبان فارسی، این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد.» (دهخدا، 1343: 637). در این مقاله تکفیر و تروریسم از منظر دین اسلام و مسیحیت و ریشه‌های تاریخی آن بحث و بررسی شده و اهداف و رویکرد گروه‌های تکفیری اشاره شده است.

3- تکفیر و تروریسم در دین اسلام و جهان معاصر

افراطگرایی از مباحث قابل پژوهش و بررسی در تاریخ اسلام هست، ظهور جریان‌هایی که سمبل‌گرایی افراطی در عرصه فرق و اندیشه بوده‌اند. از لحاظ تاریخی پیشینه این جریان‌های تکفیری - جهادی در جهان اسلام به دوران خلفیه اول باز می‌گردد زمانی که در جریان جنگ‌های رده دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین قلمداد کرد، اما ظهور بارز این اندیشه که قالب شناخته شده‌تری دارد مربوط به جریان خوارج در دهه چهل ه.ق است که از آن‌ها بعنوان تکفیری‌های صدر اسلام نام برده می‌شود، جریانی که از یک تردید و فهم غیر صحیح درخصوص اقدامات امام علی علیه السلام پدیدار شده و برای اولین بار اهل قبله را تکفیر کرد و با مطرح کردن شعارهای اسلامی، قرآنتی از دین ارائه کرد که مورد قبول هیچ کدام از فرق اسلامی نبود (جعفریان، 1387: 363). جریان خوارج که بصورت بارز پس از ماجرای تحکیم در جنگ صفین شکل گرفت. در آغاز یک حرکت کاملاً سیاسی بود، اما برخی از مورخان آن را جریانی اصالتاً دینی ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها در ابتدای امر مخصوصاً داوران امام علی علیه السلام عقاید خاصی در برخورد با مسائل کلامی و اعتقادی نداشتند، اما در زمان خلافت عبدالملک بود که با این عقاید آمیخته شدند و به تدریج به

1. Terreur

افکار خود نظم و انسجام دادند. (جعفری، 1363: 106) پدیدار شدن این جریان، حرکتی فی البداهه تلقی نشده است، بلکه آن را جریانی سازمان یافته دانسته‌اند که چندین دهه مترصد چنین فرصتی بوده است. (قربان پور، 1390: 1) ردپای خوارج را می‌توان بصورت مخالفت‌های پی در پی برخی از افراد چون؛ ذوالخویصره با پیامبر ﷺ در زمان ایشان جستجو کرد. (بخاری، بی تا: 200) در زمان سه خلیفه اول نیز چنانکه از شواهد تاریخی بر می‌آید یک سری دسایس و برنامه‌های سیاسی بستر مناسب را برای رشد و شکل‌گیری جریان خوارج ایجاد کرد شاگرد مشهور ابوحنیفه بود. ابن حنبل پس از این در طلب علم به کوفه، بصره، مکه، مدینه، شام، مغرب، الجزایر، عراق، فارس، خراسان، حجاز و صنعا سفر کرد (دایره المعارف، 1373: 718). مبحث خارجی‌گری و تکفیر به مدت شش قرن، بدلیل اینکه با اندیشه اسلامی نمی‌ساخت از میان رفت تا اینکه در قرن هفتم ه.ق بار دیگر توسط ابن تیمیه حرانی با احیای واژه‌های تکفیر و جهاد نمود تازه‌ای یافت. تا قرن هشتم در بلاد اسلام رواج فراوان داشت. ابن حنبل از شاگردان شافعی بود؛ سپس از وی جدا شد و مذهب جدیدی ابداع کرد (مشکور، 1368: 169). قرن چهارم ه.ق تا قرن ششم هجری دوران فطرت یا سکوت اندیشه‌های سلفی‌گری صلب است. البته در قرن چهارم هجری ابومحمد حسن بن علی بن خلف بر بهاری برای احیای سلفی‌گری تلاش کرد، اما در برابر شورش مردم کاری از پیش نبرد. این سکوت ادامه داشت تا اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم که با احیای عقاید سلفی توسط ابن تیمیه و ابن قیم الجوزیه مواجه هستیم. علی الجابری در اثر خود می‌نویسد: «با سقوط بغداد در عالم تسنن تفکر سلفی احیا شد که نمایندگان عمده آن ابن تیمیه (728 - 661 ه.ق) و شاگردش ابن قیم الجوزیه (751 - 691 ه.ق) بودند. ابن تیمیه از حنبلی‌گری شروع کرد ولی در حد روش خود موفق به ایجاد نوعی هماهنگی میان معقول و منقول شد و به لحاظ بی‌پروایی که در ایران داشت، با صوفیه و تشیع و حتی فقیهان سنی در افتاد و از سوی آنان، عنوان «متبدع» و «منحرف» یافت، در حالی که سلفیان لقب «محبی السنه» بدو دادند. ابن تیمیه، حنبلی خالص نیست و اجتهادهای خاص دارد: عقل را رد و برای معرفت یقینی به «فطرت» رجوع می‌کند. حدیث ضعیف (مراد حدیث «حسن» است نه «متروک») را بر رأی برتری می‌نهد و منکر «مجاز» و «تأویل» است. روش ابن تیمیه را ابن قیم الجوزیه تعمیم داد. سیوطی میان نظریات ابن تیمیه و احمد بن حنبل تطبیق برقرار کرد و بالاخره محمد بن عبدالوهاب (متوفی 1206) حرف‌های ابن تیمیه را به عمل درآورد و با به دست آوردن یک مرکز و قدرت اجرایی توانست مخالفان خود را «خارج از اسلام» قلمداد کند و در معرض قتل و غارت قرار دهد.» (جابری، 1409: 109).

وی بعنوان پدر معنوی فعالان سنی رادیکال مدرن که همه متفکران رادیکال

معاصر به او استناد می‌جویند. از ایدئولوگ‌های مکتب تکفیر بود که مسئله تکفیرگرایی را در آغاز دعوت خویش تئوریزه کرد و بسط داد و بعنوان اولین متاله مسلمانان بصورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت و بخش بزرگی از کتاب‌های سیاسی و الشرعیه را به این موضوع اختصاص داد. با مرگ ابن تیمیه در قرن دوازدهم ه.ق برای اولین بار محمد بن عبدالوهاب این مفاهیم را وارد جریان فکری خو کرد و آن‌ها را گسترش داد. او با داشتن عقاید بنیادین مبارزه با شرک و مبارزه در راه استقرار توحید و یکتاپرستی، در رساله کشف الشبهات خویش بیش از 24 بار مسلمانان غیر وهابی را مشرک و بیش از 25 مرتبه آنان را کافر، مرتد، بت پرست و غیره معرفی کرد. (موثقی، 1374: 161 - 162).

مدتی بعد این جریان که در مبارزه با کافران نمود پیدا کرده بود به آلتی در دست متعصبان مذهبی تبدیل شد و رفته رفته بر جنبه‌های فرقه‌گرایی خود افزود و به شکل برجسته‌ای وارد مبارزه عقیدتی درون دینی شد که حاصل آن ظهور گروه‌های تکفیری - جهادی، طالبان، سپاه صحابه، القاعده و غیره بود. گروه‌هایی که در راه تحمیل اندیشه‌ها و ترویج برداشت‌های خارجی‌گری خود، با حربه‌های مشترک تکفیر و جهاد، دست به قتل عام مسلمانان زدند. در ادامه این خط سیر، امروزه در عراق پس از گذشت چندین سال از سقوط صدام حسین با اقدامات شاخه‌ای از القاعده، موسوم به جریان القاعده عراق بود، که از آن به «دولت اسلامی شام و عراق» و اختصاراً «داعش» تعبیر می‌شود. همچنین گروه‌های تروریستی و تکفیری نظیر بوکوحرام و الشبابت نیز در افریقا فعالیت دارند. در اینجا تنها به صورت اجمال به گروه تروریستی تکفیری داعش اشاره می‌شود.

گروه تکفیری تروریستی داعش: شکل‌گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق و ورود اعضای القاعده به این کشور باز می‌گردد. ابومصعب الزرقاوی، رهبری شاخه القاعده در عراق را به عهده گرفت. وی که متولد شهر «الزرقا» ی اردن بود، گروه «التوحید و الجهاد» را در سال 2003 ظاهراً برای مقابله با آمریکایی‌ها ایجاد کرد. الزرقاوی که گرایش‌های ضدشعیبی شدیدی داشت نه تنها آمریکایی‌ها بلکه شیعیان عراق را مورد هدف قرار می‌داد. در دوره وی صدها عملیات تروریستی علیه مردم عراق و به ویژه در شهرهای مقدس این کشور انجام شد. گروه تروریستی التوحید و الجهاد که شعبه‌های همنام خود در دیگر کشورها از جمله مناطق غربی جمهوری اسلامی دارد، رابطه خود را با القاعده حفظ کرد و فرامین اسامه بن لادن و ایمن الظواهری را اجرا می‌کرد. در سال 2004، گروه تکفیری «القاعده در سرزمین بین النهرین» ایجاد شد که چندان دوام نیاورد. با کشته شدن الزرقاوی در سال 2006، سازمان تروریستی «دولت اسلامی عراق» جانشین التوحید و الجهاد و القاعده در سرزمین بین النهرین شد. (عباس زاده، 1389: 151 -

154 و 162) در این راستا با رفتن «فاظل نزال خلایه» تروریست اردنی الاصل معروف به ابی مصعب زرقاوی به عراق یک صحنه امید بخش برای گسترش فعالیت‌های آنچه نسل دوم القاعده جنگ در عراق را یک فرصت بی‌نظی برای جنبش جهانی جهاد برای درگیر کردن و شکست امریکا و گسترش منازعه در کشورهای همسایه تحلیل می‌کردند. (عباس زاده، 1388: 163)

برای اجرای استراتژی جنگ فرقه‌ای خویش بر بمب‌گذاری‌های انتحاری با هدف وارد کردن تلفات وسیع به غیر نظامیان شیعی متمرکز شد اقدامات یکه او ج آن در سال 2006 باعث رادیکال شدن فضای داخلی عراق و افزایش خشونت‌های فرقه‌ای شد. این استراتژی از یک سو مورد مخالفت ایمن الظواهری همکار قدیمی و المقدسی استاد وی قرار گرفت (اسماعیلی، 1386: 28) و از سوی دیگر موجبات اختلاف اهل سنت را با وی فراهم ساخت، اما زرقاوی در ژانویه 2006 با تشکیل شورای مجاهدین به رهبری عبدالله رشید البغدادی، بعنوان سازمانی فراگیر و متشکل از القاعده عراق، مجلس شورای مجاهدین، ارتش السنه، گروه هیا ابوحنظف مصری و غیره به القاعده عراق و جبهه ملی داد و بر این اختلافات فائق آمد (مستقیمی، 1389: 346) از این به بعد تمام جهادی‌های عراق تکفیر شدند و کاسنی که دارای گرایش سنی افراطی نبودند کافر خوانده شدند. این مواضع منفی علیه اهل سنت عراق باعث شد تا سنی‌های محلی از مرحله اختلاف و تنش به سوی تقابل کامل با این تشکیلات پیش روند و با همکاری امریکا این قبایل در قالب شورای بیداری (صحوه) به سوی اتحاد و همکاری با امریکا سوق پیدا کنند و به مقابله با القاعده در قالب این شوراها پردازند. (اسدی، 1388: 243) از اواخر سال 2005 زرقاوی دامنه عملیات خود را گسترانید و پذیرش مسئولیت انفجارها توسط گروه وی، گامی برای گسترش دامنه عملیات بود. سرانجام زمانی که زرقاوی مشغول انجام عملیاتی برای جداسازی شهرهای رمادی، فلوجه و بعقوبه از حکومت مرکزی بود، پایگاهش در اطراف بعقوبه توسط هواپیماهای امریکایی و عراقی بمباران شد و به هلاکت رسید. (قزوینی، 1392: 27)

با مرگ زرقاوی، شورای مجاهدین ابوحنزه مهاجر را به ریاست القاعده عراق انتخاب کرد. در همین حال، در 15 اکتبر 2006 در پی نشست چندین گروه مسلح در چهار چوب معاهده موسوم به حلف المطیبین، یک دولت شبه نظامی به نام دولت اسلامی عراق به سرکردگی ابو عمر البغدادی اعلام موجودیت کرد، اما با گذشت چهار سال در 2010/4/19 نیروهای مشترک امریکایی و عراقی با حمله به منزقه الثرثار ابو عمر البغدادی و ابوحنزه المهاجر را کشتند. بعد از این ماجرا، ابراهیم عواد ابراهیم بو بدری بن عرموش معروف به ابوبکر البغدادی که مدعی است لقبش به امام حسن علیه السلام می‌رسد به ریاست دولت اسلامی رسید. از این دوران است که عمای تتروریستی در عراق و سوریه گسترش یافت. (خبرگزاری راسخون، 1393/3/28)

با شروع بحران سوریه وی با انتشار فایلی صوتی در سال 2011 جبهه النصره لأهل الشام را به ریاست ابو محمد الجولانی تشکیل داد تا استراتژی جدید خود را ترسیم کند استراتژی که اقدامات دولت اسلام را از دیگری با دولت عراق فراتر می‌برد و آن را به داخل سوریه نیز تعمیم می‌داد تا نقشه و سازمان جدیدی فراتر از دولت عراق و آن را به داخل سوریه نیز تعمیم می‌داد تا نقشه و سازمان جدیدی رات از دولت عراق تشکیل بدهد. بدین ترتیب بود که وی در سال 2013 نام سازمان خود را به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) تغییر داد تا عملیات دو کشور تحت پوشش آن قرار گیرد اما این ادغام توسط راهبران النصره رد شد به رغم این مخالفت‌ها البغدادی همزمان طی نامه‌هایی به مبارزان عرب و خارجی در سوبیه تحت عنوان «ویران کردن دیوارها»، خواست تا نیروهای این سازمان را در جنگ سوریه مورد پشتیبانی قرار دهند. (داعش، میراث دار القاعده، 1393: 1) و در مدت کوتاهی آن‌ها با شعاری یاری‌سازنده به اهل سنت سوریه وارد جنگ داخلی این کشور شدند و به یکی از معارضان اصلی با دولت بشار اسد تبدیل شدند. (معروف پور، 1393: 1)

مهمترین اندیشه‌های داعش عبارت است از:

- 1- نباید از علمای دین تقلید کرد باید از قرآن تقلید نمود
- 2- همه مخالفین (اهل سنت، شیعیان و غربی‌ها) ضد توحید و مشرک هستند لذا خون آنان حلال و زن و فرزندان آن‌ها اسپر هستند.
- 3- آن‌ها معتقدند اسلام کنونی اسلام نیست اگر بود غرب بر آن‌ها حاکم نمی‌شد لذا آن‌ها بدون درگیری با غرب با مسلمانان وارد جنگ می‌شوند
- 4- بازگشت به خلافت اسلامی از دیگر اندیشه‌های داعش است آن‌ها بر خلاف القاعده که به دنبال آزادی قدس هستند به دنبال آزادی بغداد از دست شیعیان یا به قول آن‌ها رافضی‌های صفوی می‌باشند
- 5- آن‌ها به دنبال تاسیس حکومت اسلامی و نه حکومت‌های اسلامی هستند.

4- رویکرد انقلاب اسلامی با افراطگرایی و تروریسم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند. در این مقاله نویسنده، با پرهیز از افتادن در مباحث اندیشه سیاسی معاصر و مبانی نظری به اصل مباحث می‌پردازد؛ که مهم‌ترین آن عبارتند از؛ نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش؛ حمایت و دفاع از مسلمانان؛ عدم دخالت در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، در بعد داخلی احترام به نقش مردم در حق تعیین سرنوشت (امام خمینی، صحیفه امام، ج 1361، 3: 50-260) و (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و مقابله و دعوت به مبارزه در برابر استکبار جهانی از

مبانی گفتمان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید.

مقابله با تروریسم مجموعه اقداماتی است که با رویکرد تدافعی یا پیشگیرانه برای تعدیل اثرات رفتار خشونت‌آمیز در عرصه سیاسی و اجتماعی هست که با توسل بر نیروهای نظامی، اعمال اقتصادی و بهره‌گیری از نیروهای بومی انجام می‌شود (Dod, 2009:39). در راستای اجرایی کردن رویکرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران درباره پدیده تروریسم در منطقه می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی، استکبار ستیزی، مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه بویژه مردم لبنان، تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه، و همین‌طور تلاش در جهت برطرف کردن دغدغه‌های امنیتی بوده است. در این باره می‌توان به جهت‌گیری‌های ایران نسبت به خیزش‌های مردمی منطقه، استکبار ستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین، و همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره کرد (برزگر، 1388: 115). از مهمترین مصادیق عینی مبارزه و مقابله انقلاب اسلامی با افراطگرایی و تروریسم در حوزه «نبرد فکری» و «نبرد محیطی» در حوزه جغرافیایی قابل بررسی است. همه این مباحث در راستای گفتمان همیشگی و با ثبات انقلاب اسلامی و در تقابل با گفتمان آمریکایی هست که تمام منافع خود را در هرج و مرج منطقه جستجو می‌کند.

شکل‌گیری تروریسم در منطقه خاورمیانه، یک جریان ضد بیداری اسلامی است که با تحریک تعصبات مذهبی و ایدئولوژیکی به‌شمار می‌رود (Barnett, & Reynolds, 2009:P4). که دستمایه کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده قرار گرفته است. که در این رویکرد بیشتر ایالات متحده در صدد بی‌نظمی «هرج و مرج خلاق» منطقه غرب آسیا را دنبال می‌کند؛ که به صورت هدایت شده انجام می‌شود. رویکرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی در برابر جبهه استکبار و تأکید بر پایدار و تداوم جبهه مقاومت، تأثیر فراوانی بر بیداری ملت‌ها در منطقه گذاشته است (بیانات مقام معظم رهبری، 1392/1/4). در مقابل رویکرد آشوب سازنده، جمهوری اسلامی ایران رویکرد خود را در ثبات منطقه دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آرمان الهی، مبانی دینی و اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی؛ منافع ملی و منافع امنیتی خود را نیز در ثبات منطقه و کشورهای منطقه دانسته و لازمه آن شکل‌گیری دولت‌های مردم پایه مستقل و قدرتمند می‌داند.

از منظر رهبری انقلاب، تولید، ترویج و حمایت از تروریسم برای بازگرداندن منافع از دست رفته است (بیانات مقام معظم رهبری 1373/11/14). تروریسم در منطقه خاورمیانه، جنگ نیابتی برای تأمین منافع و پرکردن جای کمپانی‌ها اسلحه‌سازی است. این سیاست استعمار در سایه حمایت آمریکا از تأمین امنیت منطقه مانند سوریه،

عراق، یمن، بحرین، فلسطین و سایر کشورها اسلامی صورت می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری 1394/02/26). گروه‌های تکفیری و تروریستی در منطقه جهان اسلام در حقیقت جنگ‌های نیابتی را دنبال می‌کنند. ظهور تروریسم به شکل‌های ایدئولوژیک، مذهبی، قومی، سیاسی و جغرافیایی در کشورها اسلامی ناشی از شیوه‌های نظام استکبار برای تضعیف، ایجاد بحران و براندازی این نظام‌ها است. جمهوری اسلامی ایران برعکس کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده خود در دل این منطقه ساکن بوده و زندگی می‌کند و ثبات و امنیت منطقه با ثبات و امنیت جمهوری اسلامی پیوند خورده و این بی‌نظمی نیز به ضرر جمهوری اسلامی خواهد بود.

بیانات رهبری انقلاب اسلامی درباره رویکرد انقلاب اسلامی به تروریسم چنین آمده است؛ «ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمکشان کردیم، باز هم می‌کنیم؛ ما مقابل تروریسم هستیم. خطرناکترین و خبیث‌ترین تروریست‌های این منطقه صهیونیست‌ها هستند؛ ما با صهیونیست‌ها مواجه‌ایم و مقابلیم. به ما می‌گویند ایران از تروریسم حمایت می‌کند! شما از تروریسم حمایت می‌کنید؛ آمریکا حامی دولت تروریستی صهیونیست است؛ آمریکا داعش را به وجود آورد؛ آمریکا داعش را حمایت کرد؛ شما از تروریست‌هایی که در سوریه آدم می‌کشند، آدم زنده را آتش می‌زنند، سینه‌ی مرده را می‌شکافند، قلبش را بیرون می‌کشند و به دندان میکشند، حمایت کردید؛ شما اینها را پشتیبانی کردید» (بیانات مقام معظم رهبری 1394/02/26). استراتژی جمهوری اسلامی در طول حیات سیاسی خود بیانگر این است که برای خشکاندن ریشه افراطگرایی و تروریسم از قبیل منافقین، پژاک، جندالله و امروزه در تقابل با داعش از راهبرد سرکوب تروریسم بهره‌مند شده است. اگر چه جمهوری اسلامی «به راهبرد مقابله و مبارزه عملی با تروریسم نیز روی آورده است، هرگز از مطالعه نظری ریشه تروریسم نیز غافل نشده است» (افتخاری و شبستانی، 1390: 29). با این وصف، رویکرد انقلاب اسلامی و در حقیقت استراتژی ثابت، منسجم و بدون تضاد جمهوری اسلامی در مقابله و مواجهه با افراطگرایی و تروریسم در اینجا اهمیت دارد، رویکرد همیشگی جمهوری اسلامی مقابله و مبارزه با افراطگرایی و تروریسم در منطقه و جهان اسلام بوده و در این راستا همواره مدافع مظلومین در برابر مستکبرین بوده است. برای رسیدن به این هدف و آرمان انقلاب اسلامی ضمن بهره‌گیری از مبانی دینی و اعتقادی به طور همزمان و مکمل از شیوه تاکتیکی و عملیاتی نیز استفاده کرده تا ثبات و امنیت را در منطقه ایجاد کند.

تروریسم از نگاه جمهوری اسلامی به سطوح مختلفی تقسیم می‌شوند که سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تروریسم مدرن و امروزه با رهبری داعش یک تروریسم

بین‌المللی است که با اهداف براندازی حکومت‌ها و اسلام‌هراسی و سلطه بر جهان اسلام را دنبال کرده است. تروریسم کنونی از منظر جمهوری اسلامی به خصوص در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی «جنگ نیابتی» را انجام می‌دهد، بخشی از فعالیت‌های گروه تروریستی به دنبال انتقام‌گیری غرب و ایالات متحده از جهان اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی هستند که «به دنبال براندازی این نظام‌ها هستند» (بیانات مقام معظم رهبری، 1394/2/26).

امروزه مقابله در تجاوزگری داعش نیز از آموزه گفتمانی انقلاب است که در داوم همان رویکرد گفتمانی در مقابل آن ایستادگی کند و نه تنها جمهوری اسلامی با حمایت‌های پشتیبانی، مالی و نیروی انسانی «مدافعین حرم»؛ بلکه این موضوع را به مسئله فرا وطنی و به محور مقاومت و جهان اسلام نیز تسری داده است. در این باره رهبری انقلاب فرمودند «... ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم، هر مقداری که توانایی ما و وسع ما باشد وظیفه ماست...» (بیانات مقام معظم رهبری، 1394/2/26). بیانات رهبری انقلاب اسلامی رویکرد انقلاب اسلامی را نسبت به مبارزه و مقابله با داعش و حمایت از مظلوم را نشان داده است. که این رویکرد مبتنی بر گفتمان و دال‌های گفتمانی انقلاب اسلامی استوار است. انقلاب‌هایی که به نتیجه نمی‌رسند در یک مرحله «تعامل، مدیریت، آشوب» در دام «تله دموکراسی» آمریکا گرفتار می‌شوند. این در حالی است که تمام این مراحل برای انقلاب اسلامی نیز به کار بسته شد؛ ولی با حضور رهبری و قاطعیت و خلاقیت رهبران انقلاب اسلامی وارد بازی ساختگی آمریکا نشدند.

5- تحلیل تروریسم و تکفیر معاصر و رویکرد گفتمانی انقلاب اسلامی

ظاهرگرایی و تفسیر نادرست و فهم غلط از ادیان از مهمترین زمینه شکل‌گیری تکفیر و به تبع آن خشونت و تروریسم است. ظاهرگرایی در اندیشه خوارج در صدر اسلام وجود داشت و برداشت ظاهری می‌کردند و ابن تیمیه همین اندیشه را رواج داده و امروزه گروه‌های تکفیری نظیر القاعده و داعش از مبانی فکری ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه و بربهاری تغذیه می‌کنند. در مسیحیت نیز گرایش به تفسیر ظاهری قدمتی طولانی دارد. در عین حال یکی از عوامل تاثیر گذار در جدایی میان کلیسای کاتولیک و پروتستان بوده و چگونگی برخورد آنان به هریک از رویکرد باز می‌گردد (شهامت دهرسخی و حسنی، 1394: 35). با بررسی و مطالعه تاریخی در دو دین اسلام و مسیحیت آشکار می‌شود که مبانی و تعالیم دینی رافت و مهربانی به دور از خشونت علاوه بر اینکه در فطرت بشری وجود دارد در ادیان نیز مشترک است. ولی با بررسی و مطالعه افراطگرایی و تروریسم مشخص می‌شود که مبدع افراطگرایی و تروریسم بیشتر ریشه در اندیشه انحرافی گروه‌ها یا جریان‌های سیاسی دارد که

امروزه بیشتر قدرت‌های سیاسی برای منافع سیاسی و اقتصادی از آن بهره‌جویی کرده و مبانی اعتقادی و دینی را به عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌کنند. مطالعه و مقایسه نهضت‌های انقلابی با گروه‌های افراطی نشان می‌دهد که گروه‌های افراطی مثل القاعده و داعش ریشه در جریان‌های مذهبی گذشته در تاریخ اسلام دارد. روحیه‌ها، روش‌ها و عقاید آن چیز جدید و بی‌سابقه نیست. تنها تفاوت جریان و گروه‌های تکفیری در وضعیت و موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی است. آن‌ها برخلاف جریان‌های قبلی، داعیه حکومت‌داری و احیا خلافت را در سر دارند. در حال حاضر نیز در سطح جهان اسلام و گستره قلمروی اسلامی این نوع روحیه‌ها، بینش‌ها و خط و مشی‌ها که آکنده از جزمیت و جمود، قشری‌نگری و سطحی‌نگری و جزئی و فرعی‌نگری است، به شدت رایج شده است. تروریست‌ها چه افراد و چه سازمان‌ها، تفسیر ذهنی و غیر واقعی از جهان واقعی دارند. ادراکات تنها از محیط اجتماعی و سیاسی محدود است (Crenshaw, 1988) در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس آیه شریفه قرآن «نساء 141» هرگونه سلطه‌گیری و سلطه‌پذیری را نفی کرده و رد می‌کند و با استناد بر همین آیه شریفه که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز گنجانده شده و از مبانی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی نیز هست. مفاهیم عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، ضد استکبار و استعمارستیزی، استقلال طلبی و حمایت از مظلومین و مستضعفین و مبارزه با مستکبرین از تاسیس نظام جمهوری اسلامی تاکنون از رویکرد واحد و یکسانی پیروی کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی تکفیر و تروریسم در دین اسلام گفتنی است که، گروه‌هایی که با برداشت نادرست از دین و مذهب دست به کشتار می‌زنند یا در جامعه اقدام به رفتارهای غیر دینی می‌زنند و شرک می‌گویند تکفیر تلقی می‌شود. در اسلام بر رفعت جایگاه مؤلفه‌هایی همچون صلح، نوحه‌دوستی، رأفت، عدالت تاکید شده (مانده 8). و دعوت به دین بر اساس تحقیق و غیر جدلی (نحل 125) و بدور از خشونت مورد توجه بوده است. این در حالی است که امروزه فعالیت‌های گروه‌های تکفیری با قرآن کریم گه پیام الهی است تضاد دارد. افزون بر انگیزه‌های سیاسی پشت پرده قدرت‌ها در تشدید بحران در کشورهای اسلامی وجود دارد، از آن جمله می‌توان به نگرش‌های حکم به شرک، بدعت‌گذاری، تکفیر و قتل و کشتار مخالفان اشاره کرد که برخی با تحریک مخالفان اسلام صورت می‌گیرد و ریشه در اندیشه و افکار گروه‌های اسلامی ندارد بلکه با تحریک قدرت‌های بزرگ و ضد اسلام و مسلمانان صورت می‌گیرد برای نمونه داعش، القاعده و الشباب از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی هستند که از کشورهایی غیر اسلامی نیز حمایت ملی و تسلیحاتی می‌شوند این در حالی است که دین اسلام و

کشورهای اسلامی و مسلمانان با گروه‌های تروریستی مسیحی علاوه بر اینکه هیچ کمک و حمایتی ندارند بلکه مخالف هستند چون ضد دین و بشریت هستند.

انقلاب اسلامی از زمان پیروزی تاکنون رویکرد واحد و منسجمی در قبال تروریسم و افراطگرایی داشته است و راهبرد اتخاذی خود را در میدان عمل نشان داده است. رویکرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده در موضوع افراطگرایی و تروریسم همواره متفاوت بوده است. به بیان دیگر اینکه منفعت ملی مد نظر در انقلاب اسلامی که «در حمایت مظلومین و نهضت‌های آزادی بخش» «و مبارزه با استکبار و تروریسم» جزء لاینفک مبانی سیاست خارجی ایران است که در رویکرد ثبات منطقه تعریف و دنبال می‌شود. در این زمینه ایالات متحده همواره سیاست دوگانه‌ای را در منطقه دنبال کرده است و منافع خود را در آشوب منطقه‌ای می‌داند. منافع ملی آمریکا در هرج مرج خلاق نهفته و امنیت رژیم صهیونیستی و منافع امنیتی ایالات متحده و حامیانش در این چارچوب نظری تعریف و دنبال می‌شود.

در این خصوص گفتنی است که رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده در یک موضوع و پدیده مشخص دو استراتژی متفاوت دنبال شده است؛ انقلاب اسلامی بر اساس ثبات استراتژی و اندیشه و آرمان خود همواره از نهضت‌های مردمی حمایت کرده و در مقابل افراطگرایی و تروریسم ایستادگی و مبارزه کرده است؛ ولی هدف ایالات متحده از بی‌نظمی سازمان یافته با افراطگرایی و تروریسم در منطقه، علاوه بر مقابله با گروه‌های جهادگرا، اقدام علیه کشورهای تهدیدکننده منافع آمریکا بوده است؛ بنابراین هرگاه منافع آمریکا در مبارزه با تروریسم تأمین می‌شد، به شدت با آن مقابله کرده و هرگاه تأمین منافع ایالات متحده در گروهی همکاری و تقویت گروه‌های تروریستی بوده، اقداماتی را در جهت حمایت از آنان انجام داده است. از یک طرف به عراق و افغانستان نیرو اعزام می‌کند تا با تروریست‌ها بجنگند.

در نتیجه رویکرد انقلاب اسلامی:

1. مقابله با گروه‌های تروریستی معاصر و نبرد فکری و فرهنگی را در جبهه نرم دنبال می‌کند.
2. در عرصه سخت پشتیبانی از گروه‌های مقاومت و گروه‌های نهضتی برای مواجهه با تروریست و تکفیر حمایت می‌کند.
3. مکانیسم آگاه‌سازی و بصیرت انقلابی را برای مواجهه با تکفیر و تروریست دنبال می‌کند.
4. انقلاب اسلامی از طریق گروه‌های اسلامی بین شیعه و اهل سنت پیوند برقرار کرده و ماهیت وحدت در عرصه عملی و نظری بیانگر اسلامی نبودن گروه‌های تروریستی معاصر هست.

کتابنامه

- 1- قرآن کریم.
- 2- اسماعیلی، حمیدرضا (1386)، *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- 3- افتخاری اصغر و علی شبستانی (1390)، *راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم*، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره دوازدهم - پاییز.
- 4- اگریدی، جوان، 1377، *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم، طه.
- 5- امیری، عظیم و محمد حسین طاهری (1392)، *بررسی و نقد انگاره ارتداد*، در مسیحیت کاتولیک، فصلنامه معرفت ادیان، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی 16، پاییز 1392، ص 77 - 96.
- 6- امینیان، بهادر، کریمی قهرودی، مانده (1391)، *"استراتژی دولت ملت‌سازی آمریکا در افغانستان"*، دانش سیاسی، سال - هشتم، شماره اول، پیاپی 15.
- 7- ایزدی، بیژن (1381)، *درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان
- 8- آزاد، امیر حامد (1393)، *داعش در عراق*، بحران پژوهی شماره 12، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- 9- آشوری، داریوش (1373)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- 10- برزگر، کیهان (1381)، *وقایع 11 سپتامبر: رشد رادیکالیسم سنی و چالش‌های جدید امنیتی در حوزه خلیج فارس*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- 11- جیمز دریان و دیگران، تروریسم، *گردآوری و ویرایش علیرضا طیب*، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، تهران، نشر نی، 1382.
- 12- خمینی، سید روح‌الله (1378)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- 13- دهخدا، علی‌اکبر (1343) *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ج 15
- 14- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی فرازی (1391)، *«بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س 9، ش 28.
- 15- زارعی سعیدالله (1394)، *دوستی و دشمنی آمریکا و داعش: الگوی رفتاری آمریکا با تروریسم*، فصلنامه مطالعات راهبردی «جهان اسلام» سال شانزدهم: شماره 60 بهار، صفحات 123-
- 16- سبحانی، جعفر (1388)، *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم: مؤسسه امام صادق
- 17- سید جعفر شهیدی (1381) *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- 18- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (1364)، *فرق تحقیق: محمد فتح‌الله بن بدران*، قم: منشورات رضی.
- 19- علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، 1343، ج 15، ص 636.

- 20- فتاحی، یوسف (1394)، *بررسی ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای*، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س 4، ش 16، صفحات 47-64.
- 21- فرمانیان، مهدی (1388)، *فرق تسنن: مجموعه مقالات*: قم: نشر ادیان.
- 22- فرمانیان، مهدی (1388)، *گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز*، فصلنامه مشکوه، شماره 104، پاییز.
- 23- قاسمی، بهزاد (1394)، *بازشناسی تفاوت سلفی نوگرا و افراطگرا*، سایت الوقت سه شنبه 13 مرداد 1394: قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/News/15071>
- 24- قاسمی، بهزاد (1394)، *تبیین روانی - اجتماعی عملکرد داعش*، فصلنامه عملیات روانی، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره 43، پاییز و زمستان.
- 25- مجلسی، محمدباقر، 1403ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- 26- مردای، مجید، *نفی افراطگرایی و تروریسم در اسلام*، اخبار ادیان، ماهنامه اطلاع رسانی، سال سو، شماره 5، دی و بهمن 1384.
- 27- هزاوه‌ای، سید مرتضی و فریده باوریان، (1393) *شباهت‌های فکری - عملی دو جریان سیاسی خوارج نهروان و القاعده عراق*، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره 11.
- 28- Barnett, Brooke, & Reynolds, Amy (2009), *Terrorism and the Press: An Uneasy Relationship*. New York: Peter Lang; Hoffman, Bruce (2006) *Inside terrorism* (2nd ed.). Columbia University Press;
- 29- Broum, Randy (2004), *Psychology of Terrorism*, Tampa: University of south Florida. Printed in the United States of America
- 30- Brunelli, Michele, "Globalisation of security in The Persian Gulf", *Iranian Review of Foreign Affairs*, vol2, N.4, Winter 2012.
- 31- Charles, Krauthammer, "The War: A Roadmap", *Washington Post*, September 2001.
- 32- ویکی پدیا انگلیسی، مقاله Christian terrorism

